

مقدماتی در باب سیاست‌گذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق سیاست‌ها

کمیل قیدرلو*

مریم جانقریان*

چکیده

سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی به عنوان یک مسئله عمومی در جمهوری اسلامی همواره مورد توجه مسئولان بوده ولی تا کنون هیچ نظام جامعی برای پاسخگویی، سیاست‌گذاری و ارائه الگوی تصمیم‌گیری درباره آن ایجاد نشده است. در مقاله پیش رو تلاش شده تا مسئله موسیقی از منظر نظام جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. این مقاله پس از مرور تاریخچه سیاست‌گذاری حوزه موسیقی در جمهوری اسلامی ایران، به سیر تحولات دیدگاه نظام و دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، درباره این مقوله پرداخته است. سپس با بررسی و دسته‌بندی مجدد آرای فقهای شیعه و با استناد به آرای حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، ابعاد فقهی این مسئله را استخراج و یک الگوی فقهی برای سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی ارائه کرده است. نهایتاً تلاش شده تا این الگو، به شکل یک مجموعه سیاست و راهکارهای دستیابی بدان، ارائه شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری فرهنگی، موسیقی، آرای فقهی.

*. کمیل قیدرلو، دانشجوی دکتری «سیاست‌گذاری فرهنگی» دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم

komeil_qeydarlu@yahoo.com

*. مریم جانقریان، پژوهشگر مؤسسه تخصصی مدیریت تحول راهبردی و سیاست‌گذاری «تراث مشرق زمین»

Maryam.janghorban@gmail.com

مقدمه

۱ - موسیقی در جمهوری اسلامی ایران

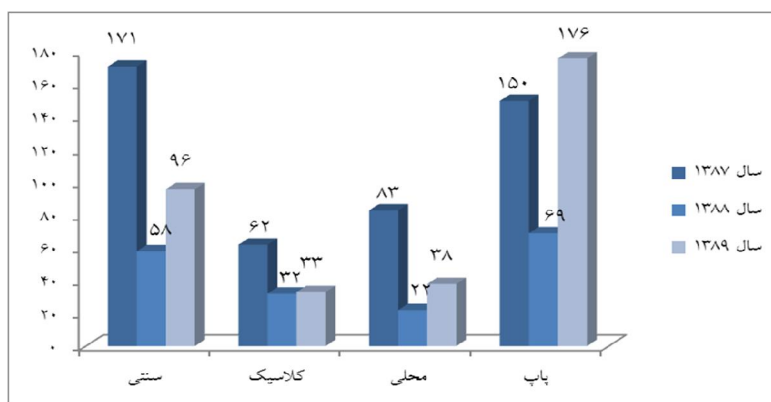
موسیقی در اسلام از جمله اموری است که موضع گیری‌های فراوانی تصریحاً و تلویحاً علیه آن وجود دارد. فقهای شیعی در طول تاریخ، عموماً به صدور فتوا علیه موسیقی و متعلقات آن پرداخته‌اند. در واقع آیاتی در باب این موضوع وجود دارد که اگرچه به طور مستقیم درباره غنا نازل نشده‌اند، ولی با الفاظی چون «قول زور»، «لهو» و «لعب» گره خورده و با استناد به برخی روایات در تفسیر این آیات، چنین حکمی توسط فقها برداشت می‌شود. با وجود چنین اسنادی، وجود اقوال مختلف و گاهی معارض فقها نیز در این باب شایان توجه است.

در گذشته، عامه مردم ابتلای اندکی به موسیقی داشتند؛ زیرا اساساً موسیقی، گستردگی امروز را نداشت و به دلیل فقدان وسایل ارتباطی، دسترسی به آن نیز بسیار اندک بود. همچنین از تنوع و گونه‌گونی امروزی بی‌بهره بود و حتی انگیزه‌های استفاده از موسیقی نیز بسیار محدودتر از امروز بود. در واقع موسیقی تنها برای بزم و رزم و به صورت ترانه‌های محلی و فولکلور جایگاه داشت و حتی کاربرد عرفانی آن نیز بسیار متأخر است. بنابراین، فقها در این باب به صدور احکامی کلی و فتاوایی در باب موضوعات مرتبط با غنا نظیر حرمت خوانندگی زنان اکتفا کرده‌اند. ولی در عصر حاضر با گسترش رسانه‌های جمعی همچون رادیو، تلویزیون، سینما و ابزارهایی چون اینترنت و بلوتوث و همچنین تغییر سبک زندگی مردم به واسطه حضور این رسانه‌ها (به‌ویژه تلویزیون)، موسیقی حضور چشم‌گیری در متن زندگی عامه مردم یافته و این امر موجب ابتلای جامعه به موضوع غنا نیز شده است.

پس از انقلاب اسلامی، حکومت باید دست‌کم برای ادامه فعالیت رادیو و تلویزیون، به تعیین تکلیف در این حوزه می‌پرداخت؛ و اینچنین بود که عرصه عملی آرا و نظرات له و علیه موسیقی گشوده شد. در واقع باید مشخص می‌شد که نسبت حکومت اسلامی با موسیقی چیست و اگر حکم بر حرمت موسیقی است، چه مقوله‌ای می‌تواند جایگزین

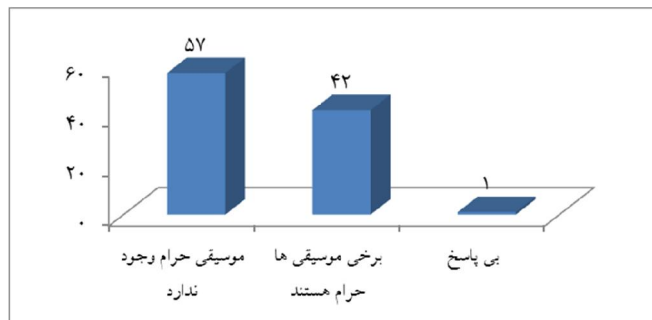
آن باشد و در صورت حلیت، چه نوعی از آن حلال خواهد بود؟ به عبارت دیگر، چه نوعی از موسیقی در حکومت اسلامی امکان اخذ مجوز برای تولید، اجرا و پخش دارد؟ این قبیل سؤالات باعث شد برای نخستین بار، حکومت اسلامی از صاحب‌نظران عرصه دین دعوت به اظهارنظر در این حوزه کند. به مرور دروس خارج فقه موسیقی فربه شد و بدین صورت، موضوع موسیقی به بحث و چالش کشیده شد. خروجی تمامی این تلاش‌ها شرایطی است که امروز در جامعه ما حکم فرماست. ولی آسیبی که همچنان در این عرصه مشاهده می‌شود، این است که حکومت کماکان معیار و نظام مشخصی برای این امر ندارد.

مقایسه تولید آلبوم‌های موسیقی در چهار گونه موسیقایی در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در ایران طبق آمار دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشانگر رواج روزافزون موسیقی پاپ نسبت به سایر موارد در جامعه ایران در سال‌های اخیر است:



(آزاده‌فر، ۱۳۹۰، ص ۳۶۵)

همچنین بر طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده، ۵۷ درصد پاسخگویان نظرسنجی، قائل به حرمت موسیقی نیستند و تنها حدود ۶۷ درصد از آن‌ها قائل‌اند که ممکن است برخی از موسیقی‌ها مبتدل باشند:

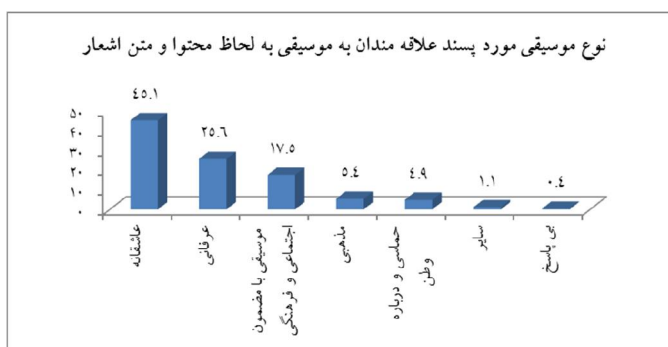


(همان، ۱۳۹۰، ص ۳۵۷)



(همان، ۱۳۹۰، ص ۳۵۶)

با عنایت به آنچه گفته شد، اولویت‌بندی محتوایی عامه مردم نیز به شرح زیر است:



(همان، ۱۳۹۰، ص ۳۵۶)

بنابراین، حکومت با افزایش روزافزون مصرف موسیقی‌های پاپ روبه‌روست در حالی که بیش از نیمی از مردم قائل به حلیت موسیقی و ۴۵ درصد از مردم علاقه‌مند به محتوای عاشقانه‌اند. چنین آماری بیانگر ابتلای گسترده جامعه به موسیقی غیر بومی و با محتوای غیر فاخر است. از این رو حکومت باید با نگاهی متمرکز، منسجم و بین‌رشته‌ای به بازنگری سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان خود در این حوزه پردازد و از آسیب‌های موجود و احتمالی جلوگیری کند.

امروزه تقاضای موسیقی در همه شقوق آن به واقعیتی عینی در جامعه ایران تبدیل شده است. از گذشته تا امروز بحث‌های بسیاری درباره مسئولیت مکلف در زمینه موسیقی و حواشی آن وجود داشته ولی مبحث جدیدی که ذیل این گفتار قابل طرح است، به این امر بازمی‌گردد که در گذشته، حکم غنا مورد اتفاق نظر فقها بوده و همگی قائل به حرمت ذاتی غنا بودند مگر فقهایی چون محدث کاشانی و محقق سبزواری (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲). ولی با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، حکم موسیقی و غنا از سوی بسیاری از مراجع تقلید مانند حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری با تغییرات عمده‌ای روبه‌رو شد که در ادامه مقاله بدان خواهیم پرداخت. پرسشی کلیدی که حال باید بدان پاسخ داد این است که جایگاه حکومت چه تغییری در عرصه تکلیف مکلف پدید آورده است. به عبارت دیگر، باید مشخص شود که حکومت در دو سطح اصلی ذیل چه مسیری را برای افراد جامعه قائل است و به نسبت، چه وظایف و تکالیفی برای خود متصور شده است:

الف. چه نوعی از موسیقی برای مکلف حقیقی حلال و چه نوعی از آن حرام محسوب می‌شود؟

ب. تکلیف مکلف حقوقی در حوزه عمومی موسیقی چیست؟

برای پاسخ دادن به این سؤالات و شفاف شدن احکام صادره در حوزه‌های مختلف، نخست باید ابعاد گوناگون حوزه عمومی مورد شناسایی قرار گیرد. حوزه عمومی در سه دسته اصلی می‌گنجد:

الف. همه سازمان‌های فرهنگی سیاست‌گذار و مجری در جمهوری اسلامی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و زیرمجموعه‌های آن‌ها؛ صداوسیما؛ معاونت‌های فرهنگی - اجتماعی شهرداری‌ها؛ سازمان‌های فرهنگی هنری و...

ب. همه نهادها و مراکز خصوصی فعال در عرصه موسیقی نظیر خانه موسیقی؛ مراکز تولید و عرضه آلات موسیقی؛ مراکز تولید و عرضه موسیقی‌های مجاز؛ مراکز آموزش و...

ج. همه حوزه‌های شخصی که حوزه عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند مانند پخش موسیقی در جشن‌های شخصی، اتومبیل‌های شخصی و مانند آن.

و به تبع، موسیقی در قالب عرصه‌های زیر در جامعه ایران گسترش یافته است:

- گسترش کسانی که به نواختن موسیقی اشتغال دارند و به این عرصه تعلق دارند.
- گسترش تعداد افرادی که به صورت غیر حرفه‌ای به این امر می‌پردازند.
- گسترش آموزشگاه‌های موسیقی برای بزرگسالان و خصوصاً خردسالان.
- گسترش شیوه‌ها و سبک‌های مختلف موسیقی و ترویج آن‌ها.
- گسترش گروه‌های رسمی و زیرزمینی که به موسیقی اشتغال دارند.
- گسترش تعداد خوانندگان.
- گسترش تولید و عرضه موسیقی از طریق سی دی، نوار کاست و ...
- گسترش اجراها و استفاده از خوانندگان و نوازندگان در مراسم گوناگون.
- گسترش کتاب‌هایی که مروج این‌گونه موسیقی‌ها هستند.

حکومت در عموم موارد یادشده، یا اعطاکننده مجوز است، یا مالک امکاناتی که در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد و یا کاربر آن تلقی می‌شود. بنابراین، خود حکومت، یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصه موسیقی در کشور محسوب می‌گردد.

با توجه به مقدمات بیان شده، در این مجال در پی آنیم که با بررسی تاریخچه موسیقی به‌عنوان یک امر تاریخی و بررسی آرای فقهی گوناگون در این باره در دوره‌های مختلف زمانی، به‌ویژه نظرات حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مدخلی برای

سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی در جمهوری اسلامی ایران بگشاییم و در نهایت به معرفی الگوی سیاست‌گذاری و ضوابط راهگشا در این باب بپردازیم.

۲- مروری بر تاریخچه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی در عرصه موسیقی

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، الگوی گسترش و اشاعه حداکثری موسیقی در دستور کار همه نهادهای فرهنگی و هنری رژیم پهلوی قرار داشت. در کنار این رویه، گروه‌های مقاومت و چریکی وابسته به جریان چپ، نوعی از موسیقی انقلابی را تولید و اجرا می‌کردند که بعدها در جریان انقلاب اسلامی با عنوان «موسیقی انقلابی» کاربرد گسترده‌ای در تهییج و ایجاد شور مردمی پیدا کرد.

پس از پیروزی انقلاب، با در دست گرفتن رادیو و تلویزیون ملی، مسئله چگونگی پرداختن به موسیقی، به سؤالی جدی برای دست‌اندرکاران این نهادها (خصوصاً رادیو) تبدیل شد. با توجه به اینکه تا پیش از انقلاب، فتاوی‌ای قائل به حرمت موسیقی غلبه‌ای نزدیک به اجماع داشت، اولین اقدام دست‌اندرکاران رادیو و تلویزیون، تصمیم به حذف هرگونه موسیقی از رادیو و تلویزیون بود. ولی با اقدامات شهید بهشتی و پیگیری‌های وی، پخش موسیقی از باب ضرورت، به صورت حداقلی و برای جلوگیری از قطع برنامه‌های رادیو و تلویزیون دوباره آغاز شد.

برای عده‌ای از کارکنان و هنرمندان صداوسیما، سؤال پیش آمده بود که نظر حضرت امام (ره) درباره آهنگ‌های رادیو و تلویزیون چیست؛ با توجه به اینکه بعضی از آن آهنگ‌ها خارجی و یا از زمان طاغوت بود و همچنان پخش می‌شد. حاج احمد آقا خمینی در پاسخ به این سؤال گفته بود: حضرت امام فرمودند همین آهنگ‌هایی که الان پخش می‌شود اگر از رادیو حجاز پخش شود، آن را حرام می‌دانم یا همین آهنگ‌ها اگر در زمان طاغوت پخش می‌شد، حرام بود. (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴)

با آغاز جنگ تحمیلی، استفاده از موسیقی در تیتراژ اخبار بدون استفاده از آلات موسیقی و تنها به صورت سرود، رایج شد و بعدها استفاده از آلات موسیقی رزمی نیز با توجه به جواز شرعی آن، آغاز شد. پس از مدتی، موسیقی رزمی به عنوان یک گونه

موسیقی برای تهییج مردم رواج یافت؛ مانند اجرای گروه چاووش، نینوای حسین علیزاده، آثار حسام‌الدین سراج و

نقطه عطف عرصه موسیقی در دوران انقلاب، مرثیه شهید مطهری است که خروج از مصداق مناسب برای جهاد و دفاع و ورود به مرثیه بود که بدین ترتیب، خارج از شمول استثنائات فقهی قرار می‌گرفت. فتوای حضرت امام (ره) مبنی بر حریت موسیقی غیر لهوی در این دوران صادر شد که عملاً فتح بابی برای ورود موسیقی به حوزه سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی بود. ایشان در پاسخ به استفتائی درباره سرودهای انقلابی فرمودند: «سرودهایی که دارای فایده بوده و مهیج برای انقلاب و جنگ است، مانند سرودی که اخیراً برای آقای مطهری درست کرده‌اند، اشکال ندارد.» (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵)

بدین صورت، باب موسیقی‌های سنتی و عرفانی نیز گشوده شد و مراکزی چون حوزه هنری سازمان تبلیغات، مرکز موسیقی وزارت ارشاد و مرکز موسیقی رادیو و تلویزیون ملی ایران، شروع به تهیه و تولید آثار موسیقایی با محور موسیقی سنتی، عرفانی، انقلابی، نظامی و مناسبتی کردند. این برهه از تاریخ، دوران طلایی موسیقی سنتی در ایران محسوب می‌شود؛ زیرا با تضعیف تمام گونه‌های موسیقی مبتدل، غربی و عامیانه، عملاً موسیقی سنتی به شدت بسط یافت و نوآوری‌های فراوانی در این عرصه صورت گرفت. (قیدرلو، ۱۳۸۳) افرادی چون محمدرضا شجریان در افتتاحیه خانه موسیقی در سال ۱۳۸۷، با ذکر خاطراتی اسفناک از وضعیت موسیقی سنتی در دوران پیش از انقلاب، موسیقی سنتی را فرزند مستقیم و متعلق به جمهوری اسلامی دانست. (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، سند سیاست‌گذاری موسیقی)

این وضعیت به همین شکل و با اندکی افت وخیز تا اوایل دهه ۱۳۷۰ ادامه داشت، ولی در سال ۱۳۷۲ مرکز موسیقی سازمان صداوسیما با ریاست علی معلم، بار دیگر به موسیقی پاپ رجعت کرد؛ به طوری که اعتراض افرادی همچون محمدرضا شجریان را برانگیخت. وی با تعبیر پنخش موسیقی‌های «خالطوری» اجازه پنخش صدای خود را از تلویزیون سلب

کرد. (شورای نظارت بر صداوسیما، گزارش عملکرد سازمان صداوسیما)

مرکز موسیقی ارشاد پس از این دوره و تنها با فاصله یک سال، با سیاست اعطای مجوز به صداهای مشابه خوانندگان لس‌آنجلسی تلاش کرد تا از گسترش موسیقی این خوانندگان که به طور روزافزونی بر بستر فیلم‌های ویدئویی، آنتن‌های ماهواره‌ای، نوارهای کاست و سی‌دی در میان جوانان گسترش یافته بود، جلوگیری کند. این روند تا کنون ادامه یافته است.

در طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ در بستر غلبه ارتباطات و فقدان ضوابط، اعطای مجوز به آثار موسیقایی گسترش یافت. با توجه به گسترش بی‌رویه آموزشگاه‌های موسیقی و عملکرد وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما در بسط موسیقی پاپ، در سال ۱۳۷۸ مراجع فرادست، آموزش موسیقی به نونهالان، کودکان و نوجوانان و بسط موسیقی را خلاف آرمان‌های جمهوری اسلامی اعلام کرده، خواستار جلوگیری از آن شدند. اما این مسئله عملاً به دلیل شرایط سیاسی دوران خود، اجرایی نشد. (سازمان بازرسی کل کشور، گزارش بررسی عملکرد مرکز موسیقی ارشاد)

در سال ۱۳۸۳، مرکز نظارت و برنامه‌ریزی سازمان صداوسیما، اقدام به تهیه سند، سیاست‌ها و ضوابط تولید و پخش برنامه کرد که بخشی از آن به موسیقی اختصاص داشت. هرچند این سند هیچ‌گاه مورد استناد قرار نگرفت. (شورای نظارت بر صداوسیما، گزارش عملکرد سازمان صداوسیما)

در سال ۱۳۸۶، انتشار آلبوم «ترنج» محسن نامجو توسط حوزه هنری و ساختارشکنی و مشکلات موجود در آن اثر، منجر به لغو مجوز تولید آثار موسیقایی توسط حوزه هنری از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. هم‌زمان نهادهای فرادست تذکری به نهادهای فرهنگی زیرمجموعه خودشان مبنی بر حذف، توقف و یا کاهش فعالیت‌های موسیقایی ابلاغ کردند. بر طبق این رویه، در گام نخست، سازمان‌هایی مانند سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران که از زیرمجموعه‌های نهادهای وابسته به رهبری تلقی می‌شوند، اقدام به توقف همه فعالیت‌های موسیقایی

خود اعم از فعالیت‌های آموزشی، تولیدی، اجرا و... کردند. در گام بعدی تلاش شد تا ضمن تولید سند سیاست‌گذاری، نسبت به ساماندهی عرصه موسیقی در حوزه اختیارات و وظایف این سازمان‌ها اقدام گردد. (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، سند سیاست‌گذاری موسیقی) همچنین سازمان صداوسیما تلاش کرد تا با اصلاح آرشیو موسیقی خود نسبت به بازنگری و حذف آثار در حال پخش در بخش‌های مختلف خود اقدام کند؛ گرچه در طی سال‌های اخیر عملاً تغییر چندانی در رویه‌های فوق‌الذکر رخ نداده است. (شورای نظارت بر صداوسیما، گزارش عملکرد سازمان صداوسیما)

موسیقی از منظر فقه شیعی

موسیقی تا پیش از گسترش وسایل ارتباط جمعی، دارای جایگاهی پررنگ در زندگی عامه مردم نبوده است؛ بنابراین، علما و فقها تنها به صورت موضوعی که برخی از افراد بدان مبتلا هستند، به صدور فتوا و اعلام نظر در این باب پرداخته‌اند. از جمله علل عدم تبیین کامل حدود و جوانب غنا از سوی مجتهدان و فقها در اعصار پیشین، موارد زیر است:

- آمیختگی آوازاها و سرودها با مسائل حرام، لغو، لهو، رقص و گناه؛ زیرا همین آمیختگی برای مسلمانان متعهد و معتقد کافی بوده تا از آن پرهیز کنند.
- اندک بودن موارد و کم‌تأثیر بودن موضوع خوانندگی و سرود در جامعه؛ تا زمانی که رادیو، تلویزیون و سایر وسایل صوتی اختراع نشده بود و همه مردم جامعه به نوعی با آن سروکار نداشتند و موضوع سرودها و شعرها تا این پایه با فرهنگ و روحیه و اخلاق مردم ارتباط پیدا نکرده بود، نیاز به تبیین دقیق احکام و حدود موضوع غنای حرام و خوانندگی، تا این اندازه احساس نمی‌شد.» (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵)

از این رو، آرای فقها، به صورتی پراکنده در این باب مطرح شده است. از آنجا که از نظر اغلب فقها تشخیص مصداق غنا و موسیقی حرام با مکلف است، برای بررسی دقیق‌تر چگونگی تشخیص آن، مکلف را به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند:

الف. مکلف حقیقی

مکلف حقیقی با این مقدمه که مبنا حلیت موسیقی است، تنها موظف به پرهیز از نوعی از موسیقی است که به حرمت آن یقین دارد. موسیقی مشکوک، حلال است و پرهیز از موسیقی مشکوک را باید از ورع مکلف دانست؛ چرا که عمل به ورع مستلزم پرهیز از شبهات است. (قف عند الشبهه).

ب. مکلف حقوقی

مکلف حقوقی به سبب مسئولیت نسبت به آحاد زیرمجموعه خود موظف به دقت و احتیاط بیشتری است و تصمیم‌گیری او باید ناظر به ضعف مردم باشد. بنابراین «قف عند الشبهه» درباره مکلف حقوقی واجب است. ورع مکلف حقیقی تقوای مکلف حقوقی است. بنابراین به نظر می‌رسد منطقه الفراق مکلف حقوقی بسیار محدودتر از منطقه الفراق مکلف حقیقی است؛ به این معنا که آنچه برای مکلف حقیقی مکروه است برای مکلف حقوقی حرام است. بنابراین، تدوین و تدقیق ملاک‌های حرمت موسیقی و یا دخول در منطقه شبهه در موسیقی برای شخص مکلف، لازمه عمل به تکلیف از سوی مکلف حقوقی است. به بیان دیگر، ارائه معیارهای عینی و ملموس‌تری در این زمینه، لازمه پاسخگو کردن و تدقیق وظیفه مکلف حقوقی و ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری و شفاف‌سازی آن است. لذا در این راستا تلاش می‌شود برای سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی بر اساس فتاوی علمای اعلام گام برداشته شود.

حکومت پس از انقلاب اسلامی، به عنوان مکلف حقوقی ملزم به اخذ آرای فقهی در باب موسیقی، دست‌کم در امور مرتبط به خود شد. بدین سبب، گستره آرای فقهی به دلیل افزایش موارد مبتلابه عامه مردم، وسیع‌تر شد؛ زیرا حکومت به عنوان مکلف حقوقی، موظف به اخذ آرای فقهی در این مسئله بود. بر این اساس تلاش‌هایی برای استخراج آرای فقهای شیعه در خصوص موسیقی صورت گرفت و چنانکه پیش از این نیز گفته شد، بررسی روال این آراء، حاکی از پراکندگی موضوع در مجموعه دیدگاه‌های این بزرگان است. در این بخش، ذیل هر یک از بخش‌های مورد بحث، آرای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- آرای فقها در باب غنا

موسیقی از منظر فقها با معنای «غنا» عجین شده است و در تعریف غنا چنین آمده که غنا از مقوله صوت است، با این حال کلمات فقها و اهل لغت در تفسیر آن بسیار متفاوت و در نهایت اختلاف است؛ به طوری که برخی از آنان، غنا را به «سماع» معنی کرده‌اند، بدون آنکه هیچ قیدی را در آن دخیل دانسته باشند. گروهی دیگر در تعریف آن قیودی به کار برده‌اند که این قیدها هیچ دخلی به مفهوم غنا ندارند. ناگفته پیداست که هیچ‌یک این دو تعریف نمی‌تواند تصویری صحیح از مفهوم غنا ارائه دهد. (جباران، ۱۳۷۸، ص ۱۸) به هر حال مشهور بین فقها آن است که غنا عبارت از صوتی است که همراه با چهجه طرب‌انگیز باشد. (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۵۰) گروهی از فقها این تعریف را با این جمله که آنچه در عرف غنا خوانده شود، تکمیل کرده‌اند: «الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب أو ما ستمی فی العرف غناء و إن لم یطرب سواء کان فی شعر أو قرآن أو غیرها». (طریحی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۱) به عبارت دیگر غنا در فقه شیعی، از موضوعات عرفی محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که سید جواد جبل عاملی در مفتاح‌الکرامه تأکید می‌کند: «زیرا غنا لفظی است که شرع به حرمت معنای آن حکم کرده است و هیچ معنای شرعی هم ندارد. بنابراین فهم آن را به عرف واگذار می‌کنیم.» (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۵۱)

آرای موجود در باب غنا به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

حرمت بالذات غنا: اتفاق نظر اغلب فقها بر حرمت ذاتی غناست و بیشتر فقهای امامیه از جمله امام خمینی (ره) (در دوره اول) و مرحوم آقای خویی چنین مبنایی را پذیرفته‌اند. در واقع این گروه معتقدند غنا همان موسیقی است. بنابراین برای حرمت موسیقی اصالت قائل می‌شوند و تنها به بررسی و اعلام نظر در باب استثنائات می‌پردازند؛ چنانکه آیت‌الله مروجی در درس خارج فقه خود می‌گوید: «عنوان کلی غنا از دیرباز در رأی علمای شیعه محکوم به حرمت بوده است و اگرچه گاهی تعمیم این حکم نسبت به بعضی از افراد یا انواع آن مورد مناقشه قرار گرفته، ولی تا زمان محدث کاشانی کسی را نمی‌شناسیم که با این حکم کلی مخالفت کرده باشد.» (جباران، ۱۳۷۸،

ص ۲۵) این گروه با استناد به سه ادله اصلی «اجماع»، «قرآن» و «اخبار» حکم به حرمت ذاتی غنا می‌دهند. (همان، ۱۳۷۸، ص ۳۷-۳۳)

حرمت بالعرض غنا: فقهای چون محدث کاشانی و محقق سبزواری قائل به حرمت غنا در صورت اقتران با محرّمات شرعیه‌اند. این دسته از فقها در واقع، غنا را جزئی از موسیقی می‌دانند و اصالت را به حلیت موسیقی می‌دهند و به بررسی دلایل حرمت می‌پردازند. محدث کاشانی در کتاب «وافی» پس از نقل اخبار و روایات مختلف درباره غنا نظر خود را چنین بیان می‌دارد: «از مجموع ادله، چنین مستفاد می‌شود که حرمت غنا مخصوص است به مواردی که مشتمل بر امری از فسوق و معاصی باشد، از قبیل لعب به آلات لهو و گفتار دروغ و باطل و بلند شدن آواز زن و کشف محاسن او در حضور مردان نامحرم، بدان‌گونه که در عهد خلفای اموی و عباسی متداول بوده است. وگرنه خود غنا فی نفسه و بدون اقتران به محرّمات شرعیه، از محرّمات ذاتی شمرده نمی‌شود و تغنی به اشعاری که متضمن مصالح دینی و اخروی و موجب توجه به زهد و عبادت باشد، حرام نیست. از این رو حرمت غنا اختصاص به عوارض و لواحق آن دارد. چنانکه امام صادق (ع) در پاسخ آن مرد فرمود: دادن مزد به زن خواننده‌ای که در عروسی‌های (زنانه) می‌خواند عیبی ندارد زیرا که مردهای نامحرم بر عمل او واقف نیستند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ق، باب ۱۵، ح ۳) و نیز از کلام شیخ طوسی استفاده می‌شود که حرمت غنا به خاطر اشتغال آن بر افعال حرام است... (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲) «امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال ابوبصیر فرمودند: دادن مزد به خواننده زنی که در مراسم عروسی زنانه می‌خواند و مردان نامحرمی هم تردد نمی‌کنند، اشکال ندارد.» (محمد بن الحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۱۵، ح ۳) در واقع با وجود اینکه مرحوم محقق اردبیلی در کتاب مجمع الفوائد و البرهان تصریح کرده است که در حرمت غنا بین علمای ما خلافاً نیست، (جباران، ۱۳۷۸، ص ۲۵)، ولی همان‌گونه که گفته شد به نظر می‌رسد میان علما در این باب اختلاف نظر وجود دارد و اساساً دو مبنای مختلف در باب غنا مورد پذیرش واقع شده است.

۱-۱: استثنائات غنا در آرای فقها

با توجه به تقسیم‌بندی ارائه شده، باید تأکید کرد که از منظر قائلان به حرمت ذاتی غنا، استثنائاتی نیز در فقه شیعه وجود دارد که اصلی‌ترین آن‌ها شامل موارد زیر است:

الف. غنا در مرثی

غنا در مرثی اولین بار درباره مرثی سیدالشهدا مطرح شد و اولین فردی که به این موضوع پرداخته، محقق ثانی در کتاب جامع المقاصد است. (همان، ۱۳۷۸، ص ۹۹-۹۸) این استثنا بر این مبنا استوار است که بسیاری از علما، غنا را مخصوص طرب و مجالس بزم و مصداق لهو و باطل می‌دانند در حالی که مرثیه در باب اندوه و غم مطرح و مرثیه سیدالشهدا (ع) خارج از محدوده لهو است. همچنین از آنجا که مبنای شناخت غنا را عرف شناخته‌اند، مرثی از حوزه غنا خارج می‌شود. (همان، ۱۳۷۸، ص ۹۹)

همچنین احادیثی مبنی بر این موضوع روایت شده است؛ به طور مثال در کافی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: پدرم به من فرمود: «ای جعفر، فلان مقدار از مالم را برای نوحه‌خوان‌ها وقف کن که مدت ۱۰ سال در ایامی که حجاج در منی جمع می‌شوند، برای من نوحه‌سرایی کنند.» (کافی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۷)

ب. غنا در قرآن

بر اساس اختلاف در تعریف و مبادی فقها، اگرچه فقهای چون محدث کاشانی و محقق سبزواری به صراحت به جواز غنا در قرآن فتوا داده‌اند، ولی بسیاری از فقها با استناد به ضعف بودن روایات در این حوزه و همچنین استناد به این قول که «غنا حرام است، چه در کلام حق باشد و چه در کلام باطل» این قول را رد کرده‌اند. (همان، ۱۳۶۵، ص ۱۰۵) در استفتائی که از مقام معظم رهبری صورت گرفته مبنی بر اینکه «آیا غنا در مثل قرآن و دعا و اذان جایز است؟» ایشان فرموده‌اند: «غنا صوتی است که با ترجیع و طرب همراه بوده و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد، که به طور مطلق حرام است حتی اگر در دعا و قرآن و اذان و مرثیه و غیره باشد.» (آیت الله خامنه‌ای، ...، ص ۱۰) ایشان در باب نواختن موسیقی همراه با قرآن می‌فرمایند: «تلاوت قرآن کریم با

صدای زیبا و صوت مناسب با شأن قرآن کریم اشکال ندارد، بلکه امر راجحی است مشروط بر اینکه به حد غنای حرام نرسد ولی نواختن موسیقی با آن، وجه شرعی ندارد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، [بی‌تا]، ص ۱۳)

ج. غنا در عروسی

بسیاری از فقها در باب غنا در عروسی قائل به جوازند. شیخ طوسی، شیخ صدوق و علامه حلی از این دسته‌اند، ولی علمایی چون محقق سبزواری، محدث بحرانی، فقیه نجفی و ولی ابن ادریس صریحاً حکم به حرمت کرده‌اند. (جباران، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷-۱۰۶) جواز غنا در عروسی از دیدگاه گروه اول، بر چند حدیث که در باب مزد زنان خواننده در مجلس زفاف نقل شده، استوار است. البته در پاسخ به این ادعا چنین پاسخ داده می‌شود که اگر خداوند فعلی را حرام کند، درآمد حاصل از آن هم حرام می‌شود و حتی برخی از علما علت این جواز را بر مبنای تقیه توجیه می‌کنند. (همان، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰)

حضرت امام (ره) غنا در مراسم عروسی زنانه را از حکم غنای حرام مستثنا دانسته‌اند و دلیل ایشان هم روایات صحیح و مورد اعتمادی است که از طریق ابوبصیر نقل شده است. (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹)

مقام معظم رهبری نیز در پاسخ به استفتایی درباره استفاده از آلات موسیقی در عروسی‌ها، چنین پاسخ می‌دهند: «در خصوص مجالس زفاف عروسی، خواندن برای زنان اشکالی ندارد و به کار بردن آلات نوازندگی در حال خواندن در چنین مجالس آن‌طور که معمول است، منعی ندارد ولی در غیر این مجالس جایز نمی‌باشد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، [بی‌تا]، ص ۱)

د. حدی

حدی عبارت است از راندن شتر و خواندن آن به منظور ترغیب به حرکت. در مورد حدی سه دیدگاه رایج در میان فقها وجود دارد:

یک. عده‌ای از فقها همچون شهید اول معتقدند غنا اعم از حدی است و حدی، جزء استثنائات حکم آن محسوب می‌شود.

دو. عده‌ای از فقها مانند امام خمینی (ره) معتقدند غنا اعم از حدی بوده ولی حدی جزء استثنائات حکم آن محسوب نمی‌شود.

سه. عده‌ای از فقها مانند سید جواد عاملی معتقدند اساساً غنا اعم از حدی نیست و مفهومی مستقل از غناست. (جباران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷-۱۲۵)

هـ. غنا در جنگ

غنا در جنگ به معنای استفاده از موسیقی برای تهییج نیروها به جنگیدن و عقب‌نشینی دشمن است. در مواردی روایت شده که این امر مجاز دانسته شده است. امام خمینی (ره) در رساله خود حکم به جواز این امر داده و آن را از استثنائات غنا می‌داند. ایشان در پاسخ به استفتائی که درباره سرودهای انقلابی شده، فرموده‌اند: «سرودهایی که دارای فایده بوده و مهیج برای انقلاب و جنگ است، مانند سرودی که اخیراً برای آقای مطهری درست کرده‌اند، اشکال ندارد.» (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵)

غنا از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

غنا از منظر حضرت امام خمینی (ره) به معنای صوت رقیق و نازک انسان است که (به طور اجمال) دارای زیبایی ذاتی باشد و به خاطر تناسبی که دارد، شأنیت و قابلیت ایجاد طرب را برای عموم مردم داشته باشد. «صدای نازک و زیبا صدایی است که خشن (گوش‌خراش) و ناپسند و تنفرآور نباشد و منظور از شأنیت اطراب نیز آن است که صوت خوش لازم نیست بالفعل و بلافاصله موجب طرب شود؛ زیرا حصول حالت طرب به طور تدریجی و به مرور صورت می‌پذیرد و چه بسا با یک شعر و دو شعر پدید نیاید؛ مانند آنچه درباره «مسکر» گفته شده که زیادش مست‌کننده است ولی کم آن نیز، گرچه مستی‌آور نیست، حرام است؛ زیرا شأنیت اسکار را دارد و این حرمت با مسکر نبودن اندک خمر منافاتی ندارد؛ زیرا حکم به طبیعت موضوع قرار گرفته است و ماهیت «غنا» نیز چنین است و طرب‌آور نبودن فعلی بعضی از مصادیق آن با حرمت اصل غنا منافاتی ندارد.» (همان، ۱۳۷۶، ص ۹۷)

یکی از مسائلی که درباره آرای حضرت امام (ره) در باب موسیقی و متعلقات آن

مطرح است، سیر اندیشه ایشان، پیش و پس از انقلاب است. مقام معظم رهبری در جلسه پاسخ به سؤالات طلاب حوزه علمیه قم، به سؤالی درباره دیدگاه حضرت امام در باب سرودها و موسیقی‌هایی که از صداوسیما جمهوری اسلامی پخش می‌شود و بعضاً به موسیقی گذشته شباهت دارد، چنین جواب دادند:

امروز مسئله غنا، محل بحث فقهی میان علماست، اما حضرت امام در پاسخ یک سؤال مرقوم داشته بودند بسیاری از این‌ها اشکال ندارد و اگر در موردی شک کردید، به نظر می‌رسد اصل بر برائت است و من تصور می‌کنم که در بسیاری از موارد شبهه‌ای ندارد. و درباره اینکه آیا مثل قبل از انقلاب است، نه؛ این‌گونه نیست. رادیو و تلویزیون قبل از انقلاب ترانه پخش می‌نمود و اندکی موسیقی کلاسیک (و سنتی ایران. لحن و مضمون و شعر و آهنگ آن ترانه‌ها و همچنین خواننده‌ای که تلویزیون نشان می‌داد، انسان را به فساد می‌کشاند. این به کلی قابل مقایسه با آن شعر عرفانی حافظ و مولوی که خواننده‌ای می‌خواند، نیست. حضرت امام نظرشان این است که زمان و مکان در استنباط اثر می‌گذارد، یعنی موضوع را عوض می‌کند. گرچه انسان فکر می‌کند که ظاهراً موضوع همان است، ولی موضوع تغییر یافته و در نتیجه حکمش تغییر می‌یابد. پس آنچه آن روز غنا بوده و حرام بود، امروز غنا و حرام نیست. (همان، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶)

همچنین در نقل دیگری حاج احمد آقا خمینی در جمع کارکنان و هنرمندان صداوسیما در مورد سؤالی که از حضرت امام (ره) درباره آهنگ‌های رادیو و تلویزیون شده بود مبنی بر اینکه بعضی از آهنگ‌هایی که پخش می‌شود خارجی و یا از زمان طاغوت است، فرمودند که حضرت امام در پاسخ فرموده بودند: «همین آهنگ‌هایی که الان پخش می‌شود اگر از رادیو حجاز پخش شود، آن را حرام می‌دانم یا همین آهنگ‌ها اگر در زمان طاغوت پخش می‌شد، حرام بود. بنابراین موسیقی حلال تحت عنوان ثانوی اگر در راه ترویج ظلم و فساد و تقویت نظام شاهنشاهی به کار رود حرام است، نه اینکه حرام بوده و در زمان انقلاب اسلامی حلال شده است». (همان، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴)

غنا از منظر مقام معظم رهبری عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیح

و طرب همراه بوده و مناسب مجالس لهو و گناه باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است. (آیت الله خامنه‌ای، [بی‌تا]، ص ۵) ایشان در پاسخ به استفتائی درباره ملاک تمییز موسیقی حلال از حرام، فرموده‌اند: «هر موسیقی که به نظر عرف، موسیقی لهوی و مطرب و مناسب با مجالس عیش و نوش باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. تشخیص موضوع هم موکول به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این‌گونه نباشد، اشکال ندارد. (همان، [بی‌تا]، ص ۲) همچنین ایشان در استفتای دیگری درباره موسیقی مطرب و لهوی به بیان معیار تشخیص می‌پردازند و می‌فرمایند: «موسیقی مطرب و لهوی، آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد، انسان را از خداوند متعال و فضایل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع، عرف است.» (همان، [بی‌تا]، ص ۳) ایشان در کنار این فتاوا، گوش کردن به غنا از رادیو ضبط (نوارها) را در مجلس زفاف بدون اشکال می‌دانند. (همان، [بی‌تا]، ص ۱) با این وجود، مقام معظم رهبری در عین حال موسیقی را مسیر کمال نمی‌دانند و حتی تأکید می‌کنند که ترویج و اهتمام به موسیقی با اهداف اسلام منافات دارد. در واقع ایشان معیار تفکیک موسیقی حلال و حرام را غیر لهوی بودن و عدم تحریک دانسته و آن‌گونه که گفته شد، غنا را تنها در مجالس زفاف جایز می‌دانند.

۲-۱: آرای فقها در باب خوانندگان و نوازندگان

بحث خوانندگان و نوازندگان در کتب فقهی، به صورت موردی و خاص در باب مزد «زنان خواننده» بحث شده و با عنوان‌های «جواز مزد زنی که در عروسی‌ها می‌خواند» و «اباحه غنا در عروسی» مطرح شده است.

مرحوم شیخ مفید در کتاب مُقنعه نوشته است: «کسب زنان خواننده حرام است و تعلیم و تعلم آوازخوانی در شرع اسلام ممنوع است.» (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۵۸۸) و مرحوم شیخ صدوق در کتاب هدایه و کتاب مقنع، شیخ طوسی در نهاییه، ابن ادریس در سرائر و ابوصلاح حلبی در کتاب کافی به همین صورت، درآمدی را که زنان خواننده از

راه آوازخوانی به دست می‌آورند، تحریم کرده‌اند. ناگفته پیداست که حرمت درآمد فقط به خاطر حرمت کار آنهاست، زیرا وقتی چیزی حرام است قیمت آن نیز حرام است. وگرنه برای تحریم درآمد ایشان وجهی نیست.

نکته دیگر که تذکر آن ضروری است، این است که تنها به این دلیل در کلمات فقها فقط زنان خواننده موضوع حکم قرار گرفته‌اند که زنان بیشتر به غنا و آوازخوانی علاقه دارند وگرنه این حکم اختصاص به زنان ندارد. (جباران، ۱۳۷۸، ص ۲۶) البته امام صادق (ع) در مورد درآمد زنان خواننده می‌فرماید: «أجر المغنیه التي تزف العرائس لیس به بأس لیس بالتي یدخل علیها الرجال»، «مزدی که به زن خواننده در عروسی‌ها داده می‌شود اشکال ندارد، زیرا در عروسی‌ها فقط زنان حضور دارند و مردان آمد و شد ندارند.» (شیخ کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۰) مرحوم سید جواد عاملی در مفتاح‌الکرامه تأکید می‌کند: «منظور از داخل نشدن مردان این است که صدایش را نشنوند، چون یقین داریم که شنیدن صدا حتی از بیرون مجلس هم حرام است.» (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۵۰) حتی برخی از علما علت این جواز را بر مبنای تقیه توجیه می‌کنند. (جباران، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰)

این حکم تا دوران محدث کاشانی این گونه بوده و ایشان با تغییر نگرش در باب غنا، حکم آن را تغییر داد. در واقع بدین ترتیب، ذات غنا توسط زن حرام نیست بلکه به سبب همراهی آن با فعل حرام دیگری حرام شمرده می‌شود. مرحوم سید جواد عاملی در مفتاح‌الکرامه آورده است: «... تا محدث کاشانی و فاضل خراسانی برخاستند و بر منوال غزالی و امثال او از علمای عامه رفتار کرده، حرمت را به مواردی اختصاص دادند که مشتمل بر عمل حرامی - غیر از خود غنا - باشد مثل نواختن آلات موسیقی و اختلاط زن و مرد و خواندن مطالب باطل. (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۵۲)

آرای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در باب خوانندگان و نوازندگان

حضرت امام (ره) در پاسخ به این استفتا که «چنانچه در اجرای یک قطعه موسیقی نیاز به صدای زنان به طور دسته‌جمعی (گروه همخوان یا کر) باشد، می‌توان از وجود آنها استفاده کرد؟» فرمودند: «اگر فساد داشته باشد باید اجتناب کرد.» (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳)

مقام معظم رهبری در پاسخ به این استفتا که «آیا گوش کردن به صدای زن که با ترجیع همراه است، چه به صورت زنده باشد، چه از طریق نوار کاست، چنانچه به حد غنای مطرب نباشد و به گونه ای باشد که باعث به حرام افتادن مرد نشود، جایز می باشد؟» می فرمایند: «شنیدن صدای زن و گوش کردن به آن بدون قصد لذت بردن و ریه اشکالی ندارد و نباید به شکل غنا باشد و موجب مفسده گردد.» (آیت الله خامنه ای، [بی تا]، ص ۱) همچنین ایشان در پاسخی درباره دف زنی زنان در مجالس عروسی می گویند: «استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی و مطرب جایز نیست، ولی آوازخوانی در مجالس عروسی، بعید نیست برای زنان جایز باشد.» (همان، [بی تا]، ص ۴) ایشان در جای دیگر، در باب حکم اجرای کنسرت توسط زن برای زنان با علم به اینکه گروه نوازندگان نیز زن هستند، می فرمایند: «اگر اجرای کنسرت به صورت ترجیع مطرب (غنا) نباشد و موسیقی هم که نواخته می شود از نوع لهوی حرام نباشد، این امر فی نفسه اشکال ندارد.» (همان، [بی تا]، ص ۱۰)

۱-۳: آرای فقها در باب آلات موسیقی

آلات موسیقی از دیدگاه فقها بر دو قسم است: آلات مختص حرام و آلات مشترکه. «آلات مختص» به آلاتی از آلات موسیقی گفته می شود که نوعاً در لهو و لعب به کار می رود و منفعت حلال ندارد.

«آلات مشترکه» به آلاتی از آلات موسیقی گفته می شود که هم برای منافع مشروع و حلال به کار می رود و هم برای منافع نامشروع و حرام. استفاده از آلات مختص به هیچ وجه جایز نیست ولی آلات مشترکه به کیفیت نواختن آن بستگی دارد. بیشتر مراجع تقلید استفاده از آلات مشترکه را به طور مطلق حرام نکرده اند بلکه بر اساس کیفیت نواختن آن فتوا داده اند.

آرای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در باب آلات موسیقی

آرای حضرت امام (ره) پیش و پس از انقلاب با تغییرات عمده ای روبه رو شده است؛ چنانکه ایشان خرید و فروش آلات موسیقی را در زمره مکاسب حرام ذکر

فرموده‌اند، ولی پس از انقلاب این آلات تبدیل به آلات مشترکه شد که دارای منافع مجله است. یعنی اگر به قصد استفاده در امور حلال خریداری شود، اشکال ندارد. (ایرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵) امام خمینی (ره) در پاسخ به این استفتا که «آیا در اجرای یک قطعه موسیقی مجاز، استفاده از انواع آلات موسیقی با اشکال و صداهای گوناگون دارای محدودیتی است؟» فرمودند: «چنانچه آلات مختص به لهو باشد، باید از آن اجتناب شود و استعمال آن‌ها جایز نیست. و استعمال آلات مشترکه در مورد جواز اشکال ندارد.» (همان، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳)

مقام معظم رهبری در پاسخ به این استفتا که «آیا خریدن بعضی از آلات موسیقی با هدف استفاده کردن از آن برای تشکیل گروه سرود اسلامی با علم به اینکه آن وسیله منحصر به استفاده در موسیقی حلال نیست، جایز است؟» فرمودند: «اگر از آلات مشترکه باشد و به قصد حرام نباشد، خریدن آن اشکال ندارد.» (آیت الله خامنه‌ای، [بی‌تا]، ص ۲) ایشان همچنین در باب آموختن آلات موسیقی می‌فرمایند: «به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیر لهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی یا دینی و یا برای اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید و برنامه‌های دیگر با غرض عقلایی مباح باشد، اشکال ندارد به شرط اینکه مستلزم مفساد دیگری نباشد و همچنین آموختن و یاد دادن نوازندگی برای امر فوق فی نفسه اشکال ندارد.» (همان، [بی‌تا]، ص ۸) ایشان، در پاسخ به استفتائی در باب استفاده از آلات موسیقی در عروسی و ضوابط آن برای مرد و زن، به جایز بودن خوانندگی زنان در مجالس زفاف حکم کرده و استفاده از آلات موسیقی را آن‌گونه که معمول است، جایز دانسته‌اند. ایشان تأکید می‌کنند که همین موارد در غیر مجلس زفاف مجاز نیست. (همان، [بی‌تا]، ص ۱)

جمع‌بندی و استخراج الگوی سیاست‌گذاری بر اساس آرای فقهی مقام معظم رهبری

به عنوان جمع‌بندی این بخش باید بار دیگر تأکید کرد که آنچه می‌توان از آرای موجود برداشت کرد، تشتت در آراست. جامعه در گذشته، ابتلای محدودی به مسئله موسیقی داشت و فقها نیز به سادگی از کنار این مسئله عبور می‌کردند. در واقع فهم فقها

از مسئله موسیقی، فهمی تاریخی و متأثر از دوران حیات خودشان است. اگرچه همان‌گونه که گفته شد، عده‌ای از فقها ادعای اجماع میان علما را داشتند ولی این اجماع، در واقع حاصل نشده و در نتیجه، مسئله همچنان به صورت ظنی باقی مانده است. در آرای حضرت امام (ره) مشاهده می‌شود که فتاوی‌ای ایشان پیش و پس از انقلاب تفاوت‌های بارزی داشته و به شدت از فضای انقلاب متأثر بوده است ولی به هر حال، در کلیت حکم مکلف حقیقی، آرای حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به نسبت شفاف و قابل مبنا قرار دادن برای سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی تلقی می‌شوند. همان‌گونه که گفته شد، مقام معظم رهبری، قائل به حرمت بالعرض موسیقی اند و در نتیجه موسیقی را ذاتاً حرام نمی‌دانند و با حفظ معیارهایی که بر موسیقی عارض می‌شود مانند تناسب با مجالس لهو و لعب، استفاده از آلات موسیقی به قصد حرام و...، تشخیص آن را بر عهده مکلف حقیقی قرار داده‌اند. بنابراین برای تعیین حدود جواز و حرمت، باید به ابعاد زیر در موسیقی توجه کرد:

ساز: در صورتی که نوع ساز با تمام ویژگی‌های آن مستغرق در نوع موسیقی و یا مجلس حرام باشد، استفاده و استماع آن نیز حرام است.

مخاطب: اختصاص موسیقی به مخاطبان خاص. (گناهکاران، ملحدان و...)

آواز و دیگر آواهای انسانی: نوع آواز فرد دارای ویژگی‌هایی باشد که در بخش غنا مطرح شد.

محل: اگر محل اجرای موسیقی محل تخصیص یافته به فسق و گناه باشد، موسیقی

اجراشده در آن نیز حرام است.

متن: استفاده و به‌کارگیری هرگونه محتوای حرام شامل کفرگویی، اهانت یا غلو در تعابیر منصوص مذهبی مانند جایگاه ائمه و...، دعوت به گناه و امر مکروه، توصیف گناه یا عمل حرام، تخفیف زشتی ارتکاب محرمات و مکروهات، به‌کارگیری قول باطل و فاقد معنا، تحقیر و مسخره کردن دیگران و... در ترانه و شعر به‌کار رفته در موسیقی، موجب حرمت آن می‌شود.

شیوه اجرا: هرگونه استفاده از آرایش، پوشش و علائم و نشانه‌های ویژه اهل گناه با کارکرد حداکثری در میان این گروه، اقدام به عملی که حرام تلقی شود مانند رقص، اهانت، مسخرگی، کفر، دعوت به گناه، پوشش غیر شرعی، تحریک جنسی و... در اجرای موسیقی موجب حرمت آن می‌شود.

سبک موسیقی (جنس، ریتم و...): هرگونه سبکی که منتسب به اهل گناه و با کارکرد حداکثری برای این افراد باشد، مانند رپ، متال، ریو، دیسکو، هیپ هاپ، ترنس و پارتی حرام است.

ویژگی‌های خواننده: اگر خواننده شهرت فساد و الحاد داشته باشد به گونه‌ای که هویت او بدان شناخته شود، حرام است.

بر مبنای آرای مقام معظم رهبری، باید موارد یادشده، به عنوان الگوی سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی در حکومت اسلامی مد نظر قرار گیرند. به نظر می‌رسد با چنین مبنایی می‌توان به اقدامات منسجم در این عرصه پرداخت.

الگوی پیشنهادی برای سیاست‌گذاری

فصل مشترک موسیقی و حکومت جمهوری اسلامی را می‌توان در قالب کلی زیر دسته‌بندی کرد:

الف. تولید، اجرا و پخش موسیقی توسط حکومت جمهوری اسلامی به طور مثال در رادیو و تلویزیون

ب. صدور مجوزهای اجرا، تولید و نشر موسیقی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ج. مالکیت شخصی آلات موسیقی توسط افراد و خرید و فروش محصولات و

ابزارهای موسیقی

د. آموزش موسیقی

هـ. استفاده از موسیقی.

می‌توان ادعا کرد که موسیقی به عنوان یک مسئله کلان برای حکومت مطرح است و حکومت برای اقدام در هر یک از حوزه‌های یادشده، نیازمند الگوی اجرایی است.

در بازه زمانی پس از انقلاب تا کنون، چهار نهاد اصلی در جمهوری اسلامی به فعالیت در عرصه موسیقی می‌پرداخته‌اند. این نهادها عبارت‌اند از صداوسیما، مرکز موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.

لازم به یادآوری است که در انتهای این مقاله امکان ارائه ضوابط اجرایی نیز وجود دارد که به دلیل محدودیت چاپی از ذکر آن‌ها خودداری شده است.

اهداف

الف. ساماندهی وضعیت موسیقی کشور و هدف دار کردن و به‌کارگیری آن در راستای اهداف حکومتی

ب. ایجاد دسترسی کنترل‌شده به آموزش موسیقی

ج. افزایش کیفیت آموزش

د. حمایت از موسیقی‌های فاخر (موسیقی فاخر از منظر شریعت، در زمره موسیقی‌های حلال گنجانده و به عنوان موسیقی ماندگار محسوب می‌شود. غرض از ماندگاری، برخورداری از ویژگی‌هایی چون انتقال ارزش‌های انسانی و بومی (اسلامی - شیعی، انقلابی، ایرانی، کیفیت اجرای مناسب و شخصیت و ویژگی‌های شخصی خوانندگان و موسیقی‌دانان به‌عنوان الگوهای فرهنگی کشور) است.

هـ. تدوین سیاست‌ها و ضوابط اعمالی (چنین سیاست‌ها و ضوابطی اجرا می‌شوند ولی اعلام نمی‌شوند. این دسته از سیاست‌ها بایستی در مسیر سیاست‌های اعلامی باشند اما نیازی به برجسته‌سازی آن‌ها در جامعه نیست.)

و. تدوین سیاست‌ها و ضوابط اعلامی

سیاست‌های پیشنهادی

سیاست‌های پیشنهادی در عرصه موسیقی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

یک. سیاست‌های اعمالی موسیقی: سیاست‌های اعمالی در راستای کنترل و ساماندهی وضعیت موسیقی کشور تدوین شده ولی به دلیل اعمالی بودن، نشر عمومی

نمی‌یابند و در نتیجه در این مجال بدان‌ها پرداخته نخواهد شد.

دو. سیاست‌های اعلامی موسیقی: اهتمام فعال به ایجاد زیرساخت‌های مناسب در حوزه پژوهش، تولید، نشر، اجرا و آموزش نیروهای کارآمد در جهت بهبود وضعیت موسیقی کشور

راهکارهای اجرایی کردن سیاست‌های اعلامی در حوزه‌های مختلف موسیقی

این راهکارها در چهار حوزه آموزش، پژوهش، تولید و اجرا ارائه شده است.

الف. آموزش

از جمله اهداف کلان مدیریت موسیقی، توجه عمیق به هنر متعالی و فاخر موسیقی و همچنین رعایت کلیه شئون دینی و مذهبی در چارچوب احترام و تکریم قوانین نظام اسلامی کشور عزیزمان ایران و ترویج ارزش‌های برجسته در رفتارهای فردی، جمعی و تعاملات شهروندی و همچنین اهتمام به توسعه عدالت اجتماعی از طریق ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی شهروندان در بحث آموزش موسیقی است.

آموزش موسیقی به صورت فردی و گروهی در سطح مراکز تحت پوشش به صورت آموزش در رشته‌های سرود، تواشیح و آموزش ساز و آواز سنتی و کلاسیک ارائه می‌شود. راهکارهای دستیابی به این موارد با تمرکز بر بخش آموزش به شرح زیر است:

* دعوت به همکاری مدرسان و کارشناسان زبده، باتجربه و مسئول جهت آموزش کلیه رشته‌های موسیقی مانند: آموزش ساز، آواز، مباحث نظری، تئوریک و ساختاری موسیقی

* کمک به مراکز تحت پوشش برای تدارک فضای آموزشی مناسب و استاندارد

* مساعدت و نظارت بر تجهیز وسایل آموزشی، کمک آموزشی و پشتیبانی واحد

موسیقی مراکز

* یکپارچه‌سازی دستورالعمل‌های آموزش موسیقی در سطح تمامی مراکز

* تعامل و همکاری مستقیم و مستمر با کارشناسان و مسئولان واحدهای موسیقی مراکز

* نظارت دقیق بر مسائل مرتبط با آموزش از قبیل تعیین میزان شهریه و حق‌الزحمه مدرسان.

ز. تهیه جزوه و نشریه جهت آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم شهروندان.

ب. پژوهش

توجه به بررسی اثرات مثبت و سازنده هنر موسیقی در میان شهروندان و همچنین استفاده بهینه از مباحث هنر موسیقی در آموزش غیر مستقیم آن‌ها و کمک‌رسانی به حل بسیاری از مشکلات شهرنشینی و رفتارهای فردی و اجتماعی، مستلزم پژوهش و تحقیقات راهبردی در عرصه هنر به ویژه موسیقی است. راهکارهای دسترسی به این اهداف در بخش پژوهش به شرح زیر است:

* اجرای پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، گردآوری، تدوین و آرشیو تولیدات

موسیقی

* پژوهش و کندوکاو در حوزه موسیقی به‌ویژه در زمینه موسیقی بومی

* گردآوری، تدوین و آرشیو دستاوردهای موسیقایی کشور (موسیقی دستگاهی،

محلی، فلکلور، مقامی)

* معرفی بزرگان هنر موسیقی و تجلیل از تأثیرگذاران عرصه موسیقی

* جمع‌آوری کلیه اطلاعات مربوط به مؤلفان، مصنفان و دست‌اندرکاران و

پدیدآوردگان موسیقی و تشکیل بانک اطلاعاتی جامع موسیقی.

ج. تولید

با عنایت به تولید آثار فاخر و برجسته موسیقی و همچنین مشخص نبودن مرزبندی میان موسیقی فاخر و نمونه‌های کم‌ارزش و تلاش برای آشنا نمودن و آموزش مستقیم و غیر مستقیم شهروندان، راهکارهای دستیابی به این هدف با برنامه‌ریزی در بخش تولید به شرح زیر است:

* شناسایی نیازهای جامعه شهری و تولید آثار هنری متناسب با نیازهای شهروندان

* تولید و انتشار کتاب‌ها و جزوات موسیقی

* تولید و انتشار آثار فاخر موسیقی در قالب نوار کاست، لوح فشرده و نرم‌افزار

چندرسانه‌ای

- * تولید و سفارش تولید آثار فاخر موسیقی به آهنگسازان برجسته و متعهد کشور
- * انتشار مجلات و نشریات آموزشی و کمک‌آموزشی در سطح مراکز.

د. اجرا

- در مبحث اجرا، توجه به ارتباط مستقیم هنرمندان با عموم شهروندان از طریق تدارک و برگزاری انواع نشست‌ها، کنسرت‌ها، جشنواره‌ها و ... ضروری است. راهکارهای دستیابی به این موارد به شرح زیر است:
- * تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های مرتبط با اجرای کنسرت‌های موسیقی در کلیه مراکز تحت پوشش سازمان‌های فرهنگی - هنری دولتی و عمومی
 - * نظارت و ارزیابی آثار اجرایی موسیقی صحنه‌ای در کلیه مراکز تحت پوشش سازمان‌های فرهنگی هنری دولتی و عمومی
 - * سامان‌دهی برنامه‌های منظم اجرای صحنه‌ای در مراکز
 - * نظارت بر اجرای برنامه‌های بزرگداشت مفاخر هنر موسیقی و اجرای برخی یادمان‌ها و بزرگداشت‌ها
 - * تدارک همایش‌ها، نشست‌های تخصصی موسیقی و نقد و بررسی آثار تولیدشده موسیقی
 - * برگزاری جشنواره‌ها و مسابقه‌ها در حوزه موسیقی
 - * اعطای تسهیلات اجرای کنسرت به گروه‌های موسیقی
 - * تعامل مستمر و مستقیم با مراکز جهت صدور مجوزهای لازم و ارزیابی آثار
 - * شناسایی استعداد‌های جوان موسیقی در سطح ملی و ایجاد بستر مناسب جهت فعالیت آن‌ها
 - * برگزاری برنامه‌های ویژه بانوان با رعایت کلیه موازین و شئون اسلامی.

جمع بندی

همان گونه که در بررسی های پیشین اشاره شد، عرصه موسیقی، حوزه ای است که به دلیل تشتت فراوان آرای فقهی، تصمیم سازی و تصمیم گیری درباره آن در حکومت اسلامی امری دشوار محسوب می شود. شاید این تشتت آرا پیش از دوران انقلاب اسلامی، به ابتلای محدود جامعه به امر موسیقی و عدم ابتلای فقها به امر حکمرانی بازگردد. در واقع فهم فقها از مسئله موسیقی، فهمی تاریخی و متأثر از دوران حیات خودشان بوده است. بنابراین تا دوران انقلاب، به این مسئله، به عنوان یک مسئله حکومتی توجه نشده است. پس از انقلاب اسلامی، به دلیل ابتلای حکومت به این امر، نظرات گوناگونی در باب آن مطرح شده و همان تشتت آرای پیشین به حوزه تصمیم سازی های حکومتی نیز راه یافته است. در نهایت تا کنون الگوی سیاست گذاری عامی برای این مسئله جهت بهره برداری همه سازمان های فرهنگی فعال در این عرصه طراحی و تدوین نشده است. این مقاله تلاش کرد تا با شناسایی اهداف حکومتی در مواجهه با مسئله موسیقی، سیاست های مواجهه با آن را در قالب سیاست های اعلامی و اعمالی معرفی کند و پس از آن به دلیل وجود محدودیت برای اعلام راهکارهای تحقق سیاست های اعلامی، تنها به بسط راهکارهای تحقق سیاست های اعلامی در قالب چهار حوزه آموزش، پژوهش، تولید و اجرا پرداخته است. الگوی پیشنهادی، برای بهره برداری در همه سازمان های فعال در عرصه موسیقی قابل استفاده است.

منابع

۱. آزاده‌فر. محمدرضا، (۱۳۹۰) اقتصاد موسیقی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
 ۲. خامنه‌ای، علی (آیت‌الله)، (بی‌تا)) استفتائات مقام معظم رهبری، تهران، معاونت امر به معروف و نهی از منکر نمسا.
 ۳. ایرانی. اکبر، (۱۳۷۶) هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی، تهران، حوزه هنری.
 ۴. جباران، محمدرضا، (۱۳۷۸) موسیقی و غنا در آینه فقه (دروس خارج فقه حضرت آیت‌الله مروجی)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
 ۵. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ هـ ق) وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
 ۶. طریحی، (۱۳۶۷) مجمع‌البحرین، ج ۱، (بی‌جا)، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف أهل‌البیت (ع).
 ۷. گزارش بررسی عملکرد مرکز موسیقی ارشاد، (۱۳۸۱) سازمان بازرسی کل کشور، تهران.
 ۸. سند سیاست‌گذاری موسیقی، (۱۳۸۸) سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، تهران.
 ۹. سید محمدجواد بن محمد حسینی عاملی، (۱۳۸۵) مفتاح‌الکرامه فی شرح قواعد‌العلامه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۰. گزارش عملکرد سازمان صداوسیما، (۱۳۸۵) شورای نظارت بر صداوسیما، تهران.
 ۱۱. شیخ مفید، (۱۴۱۰ هـ ق) مقنعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۲. شیخ کلینی، (۱۳۶۵) اصول کافی، تهران، دار‌الکتب‌الاسلامیه.
- قیدرلو، کمیل و امیرحسین مکبری، (۱۳۸۳) گزارش «بررسی وضعیت موسیقی کشور». تهران، مرکز مطالعات خرده‌فرهنگ‌ها وابسته به نیروی انتظامی.

